

فقه

اسلامی

من يرد الله به خير ا يفقهه
في الدين.

(حديث شريف)

"کسی که خداوند بهوی اراده خیر فرماید
اور ا در امور دین داشتمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه که !
او زما امر (درسالت) را ته آسان که ! او زما
له زی خخه غویه پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهیرو."

فبروری 2017

ربيع الثاني 1438

شماره دو صد و سی سوم

مسائل فقهی

جمع بین دو نماز در حالت ضرورت و غير ضرورت

مشکلات از امت به دلیل حدیث که عبد الله بن عباس رضی الله عنہما روایت کرده میباشد. از معجزه های دین اسلام است که مسلمانان در نصوص آن مساحت بزرگ را میتواند یافت که برای واقعات و مشکلات و آنچه جدید در عصر هایی مختلف پیش میشود و مشکلاتی که مسلمانان توقع و انتظار آنرا از قبل نداشتند راه حل موجود است.

در روایت آمده که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر و شام و عشاء را در مدینه منوره بدون اینکه باران باشد و بدون اینکه عذر شرعی باشد جمع کردند. از عبد الله بن عباس رضی الله عنہما علت جمع بین دو نماز پرسیده شد جواب دادند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اراده فرمودند تا از امت رفع حرج نمایند.

حدیث واضح و صریح در مشروعیت جمع به سبب عذر و ضرورت است و همچنان ابو داود و نسائی و ترمذی در سنن شان روایت کرده اند . امام ابو سلیمان الخطابی در « معالم السنن » حدیث را ذکر می کند و اکثر فقهاء در مورد آن چیزی نمی گویند.... ابن منذر می گوید: زیادتر از یک اهل حدیث آنرا حکایت یا نقل میکنند ، و شنیدم که ابابکر القفال از ابی اسحاق المروزی حکایت میکند یعنی نقل قول

تعداد از هموطنان گرامی مقیم در اروپا و خصوصا در ناروی و سویدن و دنمارک و فنلاند در مورد جمع بین نماز در فصل تابستان که روز نسبت به شب بسیار طولانی است و همچنان در موسوم زمستان که شب بسیار نسبت به روز طولانی است سؤال نموده بودند و الحمد لله اخیر جواب شان آماده نشر شدو امید است مشکلات شان رفع شود .

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز فرض و در اوقات معین باید اداء شود . خداوند متعال می فرماید : « إن الصلاة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً » (النساء: 103) . به تحقیق که نماز بر مؤمنان فرض و دارای اوقات معین است . هر نماز از نماز های پنجگانه وقت معین دارد و واجب است که بوقت معین آن خوانده شود و جواز نیست که نماز قبل از وقت خوانده شود و تأخیر نماز از وقت معین آن مکروه است مگر به سبب عذر شرعی و اگر بدون عذر شرعی تأخیر شود انسان مرتكب گناه می شود .

جمع بین دو نماز به سبب عذر و ضرورت در سفر و غیر سفر بدون خوف و ترس و بدون باران است و علت آن رفع

علمی و مدنی در مورد باکره بودن از افراط و تفريط کار می گیرند و از این باب میخواهند مشکلات بزرگ را متوجه طبقه نسوان نمایند و دختران جوان را متهم به زنا سازند.

فقدان باکره عوامل مختلف و متعدد دارد و داکتران طب و متخصصین امراض نسائی از علمای دین و فقهاء در این مورد معلومات بیشتر دارند و این وظیفه داکتران طب است تا در مورد عوامل فقدان باکره نظر دهند. قرآن کریم امر میکند تا در هر مورد از متخصصین آن سؤال شود.

در سایت « الحسابات الاجتماعية الرسمية لويكيبيديا العربية »

در مورد عوامل فقدان باکره میخوانیم:

1. عمل جنسی.

2. وقوع حادثه که اصابت نماید در منطقه شرمگاه دختر.

3. سقوط و افتادن باشدت و یا تصادم جسدی شامل منطقه بکارت.

4. سپورت های ثقيل و سواری اسپ.

5. عادت سری و داخل کردن آله و دست در شرمگاه.

6. داخل شدن آب به فشار فوق العاده قوی.

7. بعض از امراض که در وقت آن معالجه نشود سبب فقدان باکره می گردد.

8. بعض اوقات اتفاق می افتد که طفل بدون پرده بکارت تولد میشود.

9. در بسا موارد بعد از ازدواج پرده باکره بجای خود باقی می ماند.

أهمية بکارت در فرهنگ و ثقافت مسلمانان و جامعه

شرقی:

اکثر کشورهای شرقی بکارت را دلیل اخلاق و عفت بودن دختر میدانند در حالیکه بودن بکارت دلیل

جمع بین دو نماز /

میکند . ابن منذر می گوید: این امر (يعنى جمع بین دو نماز) به سبب عذر شرعی نیست و عبدالله بن عباس علت و دلیل آنرا ذکر میکند و می گوید که رسول الله اراده نمودند تا حرج را از امت دور سازند.

به هر حال نزد ما حدیث صحیح که دلیل به عدم صحت آن نیست و آنرا حضرت عبدالله بن عباس روایت و تأیید میکند و همچنان ابوهریره صحت می گذارد و عبدالله بن عباس آنرا عملا انجام میدهد و آنرا دلیل به جواب کسانیکه تأخیر نماز مغرب را انکار می کنند می آورد و آنرا تفسیر می نمایند قسمیکه در بالا ذکر شد. این دلیل واضح برای جواب ما برای جمع بین دو نماز در حالت عذر و ضرورت و غیر عذر و ضرورت است.

در سؤال که آمده می گوییم که جمع بین دو نماز مثل نماز مغرب و عشاء در اروپا در فصل تابستان که وقت نماز عشاء تأخیر می کند و تا منتصف شب میرسد و مردم مجبور هستند که صبح وقت به کار خود حاضر باشند ، در این حالت چطور ممکن است که مردم را مجبور سازیم تا منتصف شب بیدار باشند و نماز را در وقت آن بخوانند و در این صورت و حالت حرج و مشکل برای مردم است و حرج و مشکلات به نص قرآن بالای مسلمانان نیست و همچنان حدیث جمع بین دو نماز که عبدالله بن عباس رضی الله عنهم را روایت میکند . لذا جواز است برای مسلمانان که در کشورهایی اروپائی در فصل تابستان که بین مغرب و عشاء جمع نمایند و همچنان در فصل زمستان که روز بسیار کوتاه است جواز است جمع نمایند و قبول حرج و مشکلات از امت مرفوع است.

القرضاوی 28 دسمبر 2016

موضوع معاینه باکره بودن

در این روزه ها در افغانستان موضوع باکره بودن یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی گردیده و متأسفانه جامعه

فقدان باکره و ازدواج

سؤال : در سن قبل از بلوغ یعنی قبل از جوانی شخصی به شر夫م تجاوز نمود و بخداوند قسم که بعد از بلوغ هرگز به عمل فحشات نزدیک نشده ام . از خجالت این موضوع را به والدین خود خبر نداده ام . لیکن جوانی به خواستگاری من آمده است ، آیا موضوع را بیان کنم یا اینکه پنهان داشته باشم ؟

جواب : از کتاب : مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :
نظر و رأى ما اين است که والدين خود را از موضوع با خبر سازيد تا با شما در موضوع مشکل شما راه حل را جستجو نمایند . بعد از آن نزد داکتر متخصص رفته تا موضوع باکره بودن شما را معاینه کند و اگر مشکلی در آن نباشد لازم نیست که برای جوانی که به طلب گاری شما آمده موضوع را در میان بگذارید و اگر داکتر گفت که مشکلی در شما ایجاد شده است میتوانید معالجه نماید و بصفت یک دختر باکره و عفیفه ازدواج نماید .

دوستی زن شوهر دار با مرد بیکافه

خواهر محترمه از شهر کانکورد شمال کلفوونیا می پرسد که : من از شوهر خود سه اولاد دارم با شوهر خود بسیار خوش نیستم لیکن نمی خواهم از شوهرم بخارط اولاد ها جدا شوم . یک مرد دیگر افغان است که با زن خود خوش نیست ، ما هر دو نفر بعضی اوقات با هم ملاقات میکنیم تا غم های خود را فراموش کنیم . آیا این نوع رابطه و دوستی از نظر اسلام جواز دارد یا نه ؟

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد :

دوستی حلال ، حلال است و دوستی حرام ، حرام است . حرام واضح است که یک مرد زن شخص دیگر را دوست داشته باشد و زندگی یک خانواده را به خیانت خود ویران سازد و ممکن است این نوع رابطه غیر مشروع به خیانت برسد و رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید که : از ما نیست کسیکه زن را به فساد به شوهرش برساند (لیس منا من خبب) (افسد) (امرأة على زوجها) .

به همین ترتیب که یک زن ، یک مرد دیگر بغیر از شوهرش را دوست بگیرد و درباره وی فکر کند و ویرا از زنش دور سازد و خلاف شریعت با مرد بیگانه خلوت و بازی کند .

قاطع برای عفت و پاکدامنی نمیباشد زیرا غشاء یا پرده بکارت در بسا اوقات به اسباب غیر جنسی از بین میروند و از بین رفتن پرده بکارت در بسا موارد ارتباط به نزدیکی جنسی نمی داشته باشد . برخلاف جوامع شرقی در جوامع غربی پرده بکارت معنی عفت و پاکدامنی را نمیدهد و در جوامع غربی بودن و نبودن بکارت مساوی میباشد و عمل جنسی غیر شرعی و غیر قانونی در غرب مساوی به عمل جنسی قانونی و شرعی است .

عوامل طبی فقدان باکره را در آینده بسیار نزدیک به خوانندگان فقه اسلامی تقدیم میداریم و تفاوت بین معاینات طب عدلی و معاینات طب نسائی را توضیحات بیشتر خواهیم داد .

از هموطنان عزیز خصوصا جوانان و دختران دعوت می نمائیم در ازدیاد معلومات خود در این مورد توجه بیشتر داشته باشند و برای معلومات شما چند سایت علمی را در اینجا معرفی میشود :

غشاء البكارهAr.wikipedia.org/wiki/

Gyne Cologie- tunis.com
<https://en.wikipedia.org/wiki/Hymen>
www.vaginismus-network.org/hymen.html

آیا شوهر حق دارد از زن خود راجع به رابطه او با دیگران قبل از ازدواج سؤال کند

سؤال : آیا زن بعد از ازدواج راجع به رابطه که با جوان یا جوانان دیگر داشت برای شوهر خود حکایت کند و اگر شوهرش از او در باره گذشته اش بپرسد آیا میتواند دروغ بگوید . آیا شوهر حق دارد که راجع به زندگی خصوصی زن خود قبل از ازدواج سؤالات کند ؟

جواب : از طرف مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :
اصل در آن است که آنچه از اعمال بد صورت گرفته شده باشد باید ستر شود یعنی در مورد آن سخن زده نشود .

شوهر باید راجع به زندگی خصوصی زن خود که قبل از ازدواج داشت سؤالات کند و اگر سؤال کند برای زن حرج نیست که انکار کند و حقیقت را نگوید و این نوع دروغ را دروغ مندوب می گویند . از خداوند ستر و توبه را برای جمیع می خواهیم ، والله تعالی أعلی و أعلم .

اگر امام شافعی در عصر حاضر زندگی میداشت و می دید که دختران صاحب علم و ثقافت استند و بین خیر و شر فرق کرده می توانند و راجع به مردی که به خواستگاری اش آمده معلومات بدست آورده می توانستند یقین است که رأی خود را تغییر میداد مثلیکه در عصر خود نظریات خود را تغییر داد و ما در فقه شافعی می خوانیم رأی قدیم و رأی جدید . از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم احادیث صحیح روایت شده که امر به اجازه گرفتن دختر برای ازدواج است و دختر را کسی حتی پدر بدون اجازه و رضایت اش نمی تواند به نکاح کسی در آورد .. از جمله ای این احادیث { لا تنكح البكر حتى تستأذن } قالوا : و كيف إذنها ؟ ، قال : « أن تستك ». البكر تستأذن ، و إذنها صمتها » الشیب أحق بنفسها ، و البکر یستأذنها أبوها ». .

حضرت عبدالله بن عباس روایت می کند : دختری باکره نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: پدرش او را به کسی به ازدواج داده که او را دوست ندارد و از او کراهیت دارد . رسول اکرم برایش گفت که خودش انتخاب کند . دختری نزد ام مؤمنین بی بی عایشه رضی الله عنها آمد و گفت : پدرش او را برای پسر کاکا اش داده و او خوش نیست . بی بی عایشه برایش گفت انتظار بکش تا رسول اکرم تشریف آوردند . بی بی عایشه این خبر را به آنحضرت داد . رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پدرش را خواست و گفت این قضیه برای دختر مربوط است . دختر گفت یا رسول الله من از آنچه پدرم انجام داده راضی هستم لیکن خواستم مردم بدانند که پدران این حق را ندارند .

در حدیث دختر می گوید تا مردم بدانند یعنی زنان بدانند ، ناس یا مردم عام است و شامل دختر باکره و غیر باکره می شود و خاص برای باکره نیست .

اگر دختر بدون اجازه ولی خود (پدر و برادر) نکاح کند نزد امام ابو حنیفه نکاح صحت دارد . نظر و رأی اکثریت این است که دختر با رضایت ولی خود و خانواده خود ازدواج کند زیرا در حالت وقوع مشکلات با شوهر و خانواده اش از حمایت ولی و خانواده خود را داشته باشد . { مصدر ، سایت امام القرضاوی } .

زنا از جمله گناهان بزرگ در اسلام است خصوصا اگر بین زن و مرد متأهل (عروسی کرده) صورت بگیرد و عقوبت آن شدید است .

دیدن و حرف زدن با غیر محروم بدایت و مقدمه فساد و فسق است و آخر آن آتش دوزخ می باشد . طریق علاج این مشکل در آن است که انسان تحت تأثیر عاطفه نرفته و کوشش شود که مرد بیگانه را که در زندگانی وی پیدا شده ملاقات نکند و با تیلفون با وی هم صحبت نشود و میگویند که دور از چشم دور از قلب می باشد .

زن باید خود را به امور منزل مشغول سازد و بخداوند رجوع کند و قلب خود را به شوهرش بدهد و اگر در راه حفظ شرف خود و شوهرش عاطفه و احسان او نا آرام میشود و در این راه از صبر کار میگیرد خداوند برایش اجر صابرین را میدهد

ولايت در ازدواج

به ازدواج دادن دختر توسط پدر بدون رضایت او قبل از اینکه در این مورد بحث داشته باشیم خواهشمند به دونقطه توجه داشته باشید :

۱) قاعده اساسی که هیچ شخص با آن مخالف نیست و آن اینکه هر مجتهد در اجتهاد خود در خطأ و صواب میباشد و ما میتوانیم اجتهاد و سخنان شانرا بگیریم و یا نگیریم و فقط گفتار حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که معصوم است قابل رد نیست . امام شافعی یکی از امامان بزرگ مسلمین است لیکن معصوم نیست و خود او می گوید : رأی صواب ممکن است در آن خطأ باشد و رأی خطأ غیر از رأی من ممکن است صحیح باشد و روایت است از امام شافعی که اگر حدیث صحیح وجود داشته باشد آن است مذهب من و رأی و قول مرا به دیوار بزنید یعنی قبول نکنید .

۲) رأی و نظر مجتهد را باسas مراحل تاریخ باید بحث کرد ، مجتهد پرورده عصر و زمان اش است . امام شافعی در زمانی زندگی داشت که دختر قدرت معرفت پسر را نداشت و خانواده اش بهتر از شخصی که به طلبگاری او آمده معلومات داشتند با این اساس امام شافعی پدر را حق ازدواج دختر را بدون اجازه اش می داد به دلیل اینکه پدر شفقت و مهربانی زیاد به دختر خود دارد و شخص مناسب را برای دختر خود انتخاب می کند .

طفل کوچک (ابراهیم) در سایه رحمت و محبت پدر بزرگ مرحله شیر خوارگی را سپری می کند و پدر بزرگ او که پدر تمام اطفال مسلمین و راهنمای بشریت است با این طفل نوزاد محبت عجیب دارد . او را می بوسد ، در آغوش می گیرد و نگاهای مرموزی مملو از محبت و در عین حال آگنده از تأثیر به سوی او دارد .

این طفل محبوب (ابراهیم) فقط شانزده ماه زندگی داشت و عمر او همین اندازه بود و بس . روزی پیامبر بزرگ و دارای قلب رحیم ابراهیم را می بیند که در آغوش مادرش (ماریه) چنان خفته است که دست اجل عنقریب او را از آغوش مادر می گیرد و سایه مرگ بر او فرود می آید - رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به سوی ابراهیم نگاه پدرانه و دردناک می نماید و می فرماید : (یا ابراهیم ! أنا لا أملك لك من الله شيئاً - ای ابراهیم ! من برای تو مالک هیچ چیزی از جانب الله نیستم) سبحان الله ، پیامبر خدا در برابر اراده الله سبحانه و تعالی مالک هیچ چیزی حتی برای فرزند خود نیست . ابراهیم جان را به جان آفرین میدهد و چشم از جهان می بندد ، اشک رحمت از قلب پیامبر رحمت از راه چشمان مبارک شان می ریزد و می فرمایند :

(إِنَّ الْعَيْنَ تَدْمِعُ وَ الْقَلْبُ يَحْزُنُ وَ إِنَا بِفَرَاقِكَ يَا ابْرَاهِيمَ لَمْحَزُونُونَ - بِرَاسْتِكَ كَهْ چشم اشک می ریزد و قلب اندوهگین می شود و ما ای ابراهیم ! به فراق تو حزین هستیم) . پدر ابراهیم و پدر معنوی امت اسلامی ابراهیم را در آغوش خود حمل می کند و به طرف منزلگاه حفر شده در دل خاک می برد ، هنگامیکه ابراهیم را در گهواره خاک می گذارد ، خطاب به او می فرماید : ای ابراهیم ! آنگاه که فرشتگان نزد تو آمدند ، تو به ایشان بگو : الله

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت

بسم الله الرحمن الرحيم
از خاطرات ایمانی :

(2)

ابراهیم آخرین فرزند رسول الله

— صلی الله علیه وسلم —

شش فرزند رسول الله - صلی الله علیه وسلم - دو پسر (قاسم و عبدالله) و چهار دختر (زینب ، رقیه ، أم كلثوم ، فاطمه) از یک مادر (أم المؤمنین و أول المؤمنین خدیجه - رضی الله عنها) - در مکة المكرمة بدنسی آمدند و به جز فاطمه الزهراء - رضی الله عنها - هر پنج فرزند رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در حیات پدر بزرگوار شان بر حمایت حق پیوستند و از هیچ کدام فرزند یا فرزندانی باقی نماند و تنها فاطمه الزهراء - رضی الله عنها - شش ماه بعد از رحلت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - وفات نمودند و فرزندانی از ایشان نشانه های درخشانی از خانواده نبوت بجا ماندند و امامان گرامی سرداران جوانان بهشت (امام حسن و امام حسین - رضی الله عنهم) - فرزندان فاطمه و علی - رضی الله عنهم - نواسه های محبوب محبوب رب العالمین رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - مقام خاصی در قلوب مسلمین و در تاریخ اسلام دارند .

در مدینه منوره آخرین فرزند رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بنام (ابراهیم) چشم به جهان کشود ، مادر ابراهیم (سیده ماریه) از اصول قبطی مصر بودند و شرف ازدواج ماریه با رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - عامل مبارکات یک قسمت از مسیحیت آنوقت بوده و شرفیابی ماریه به اسلام و اخذ موقع در قطار امهات المؤمنین افق وسیع دیدگاه اسلام را در روابط بشری تمثیل می نماید .

ابراهیم آخرین /

پروردگار من است ، رسول الله پدر من ، و اسلام دین من .

در این لحظات رسول الله -صلی الله علیه وسلم- متوجه می شوند که در عقب شان گریه و نالش آتشین از قلب یکی از حاضرین برخاسته است ، به عقب نظری می کنند و می بینند که (عمر بن الخطاب -رضی الله عنہ) از شدت سوز گریه و اشک عنقریب بی خود می شود ، از ایشان می پرسند : چه چیز ترا گریه میدهد ای عمر ! عمر -رضی الله عنہ -به عرض میرساند :

يا رسول الله ! پسر شما طفل شیرخور نا بالغ است و هنوز به سن مکلفیت نرسیده و قلم (تقدیر) بروی جاری نشده است و به تلقین (کلماتی که در قبر به فرشتگان گفته می شود) ضرورت ندارد (و شما بروی تلقین فرمودید) و ای بحال (ابن الخطاب) که به سن رشد رسیده و قلم (تقدیر) بروی جاری شده و تلقین کننده ای مانند شما هم ندارد ، عمر چه خواهد کرد ؟ يا رسول الله ! کلمات عمر -رضی الله عنہ - که با سوز اشک از اعماق قلب برخاسته بود و خطاب به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- اظهار گردید ، قبل از آنکه رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- حرفى به عمر -رضی الله عنہ - گفته باشند پاسخ گفتار عمر و دوای درد عمر و سائر دردمندان از فراز آسمان ها و از طریق وحی الهی فرود آمد ، و الله متعال و رب العالمین فرمود : (یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیة الدنیا و فی الآخرة و یضل الله الظالمین و یفعـل الله ما یشاء - سوره ابراهیم -آیه 27-).

شرح معنی : الله متعال مؤمنان را که به قول حق و راسخ و ثابت و شهادة (لا إله إلا الله - محمد رسول الله) ایمان دارند هم در حیات دنیا و هم در آخرت ثابت و راسخ و پایدار می سازد در دنیا از حسنات زندگی از قبیل رزق و روزی و اموال و اولاد و امن و راحت آنها را بهره مند می سازد و در آخرت انجام نیکو از راحت قبر و حسن

جواب فرشتگان گرفته تا نعمت های وافر و جاودان بهشت نصیب ایشان میگرداند . و ستمگاران و کافران را در دنیا و آخرت در گمراهی و پریشانی میگذارد ، و الله متعال هر چه بخواهد انجام میدهد . هر مؤمن باید از نور رحمت این آیه کریمه فیض بگیرد و این دعای قرآنی را وظیفه خود بسازد :

(اللهم ثبتني بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة - الهي مرا به قول ثابت و حق) (لا إله إلا الله)

محمد رسول الله (در دنیا و آخرت ثابت و پایدار بگردان .

آمین یارب العالمین

کالیفورنیا - 10/1/2017

قاری میرو Zahed (لندن)

راه درمان و علاج حسادت

1. تشخیص نمودن مرض:

زمانیکه انسان مريض می شود و پی می برد که مريض است، فوراً به داکتر معالج خود مراجعت می کند. و داکتر معالج بعد از سوالاتی از مريض و معاینه های ضروری و لازم، مرض را تشخيص نموده و نسخه های لازم را تجویز می فرماید. و مريض با استفاده درست و عملی نمودن سفارش های داکتر معالج به اذن خداوند متعال شفاء می یابد.

با تشریح مفصل که از حسد تا به اینجا گفته آمدیم، فهمیدیم که حسد یک نوع مرضی روانی است اولین قدم برای علاج این مرض اینست که ما از خود، در روشنی آنچه که در مورد حسد بیان شد، بپرسیم که آیا این مرض کشنده و مهلك در وجود من موجود است و یا خیر؟ جواب این سوال را هیچ داکتر و متخصص نمی تواند برای من و تو بدهد که در وجود ما حسد موجود است و یا خیر. تنها شخصی که می تواند تشخیص مرض حسادت را در وجود من و یا شما نماید آن ضمیر بیدار خود ماست. چون هر کس خویشتن خود را بهتر از دیگران درک می کند و میشناسد. بناءاًگر خواهان تداوی مرض حسادت باشیم

بالارفتن سطح معلومات و اطلاعات انسان، یک نوع آرامش فکری و روانی برای انسان دستمی دهد و خود را در مسیر رشد و کمال می یابد که قبلًا فاقد آن بود. مسلمان واقعی می باید فرهنگ مطالعه و کتابخوانی را در خود پرورش دهد تا باشد که از کمال فراست برخوردار شود و جهان بینی همگانی را در استدلال و تفکر کمائی نماید.

در صورتی که معلومات ما ناقص و سطح آگاهی ما پایین باشد، دچار انتخاب‌های غلط و نادرست می‌شویم و قضاوت‌های ما بدون دلیل و بر پایه خیال و گمان می‌باشد. بدیهی است که گمان و ظن هیچ‌گاه نمی‌تواند انسان را به واقعیت حقیقت برساند. خداوند متعال در سوره یونس آیه 36 در این مورد چنین می‌فرماید:

وَمَا يَتَبَعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْنِي مِنَ الْحَقِّ
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلَيْمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

ترجمه از تفسیر معارف القرآن و بیشتر شان جز از حدس و گمان پیروی نمی‌کنند (در حالی که) ظن و گمان هیچ وقت آدمی را از حق بی نیاز نمی‌سازد. همانا الله کاملاً داناست به آن‌چه آنان انجام می‌دهند.

و همچنان در سوره النجم آیه 28 چنین آمده است:

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ
يَتَبَعُونَ إِلَى الظَّنِّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُعْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

ترجمه از راشد سلجوقی: در حالی که ایشان به (ثبت) این (گفته خود) علمی ندارند، چیزی را جز گمان پیروی نمی‌کنند و حقاً که گمان هرگز (انسان را) از یقین بی نیاز نمی‌کند.

حضرت خداوند متعال در سوره اسراء آیه 36 می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا

ترجمه از محمد صدیق راشد سلجوقی: در پی چیزی که به آن علم نداری مرو، بی گمان گوش، چشم و دل، هر یکی از این‌ها مورد سوال قرارداده می‌شود. بناءً معرفت و دانش کلید بسیاری از مشکلات می‌باشد. در مسایل اخلاقی بهتر است که معلومات دینی و ثقافت اسلامی برادران و خواهران بالا باشد تا ما از داخل

باید لحظه‌ای با خود فکر کرده به این سوالی که قبل از طرح شده جواب بدھیم. زمانیکه جواب آنرا یافتیم یعنی که ما مرض حسادت را تشخیص نمودیم مرحله بعدی شروع می‌شود و آن تداوی مرض مهلک حسادت است.

2. تداوی مرض:

بعد از اینکه تشخیص دادیم که مرض حسد در وجود من است، باید قدم عملی برای تداوی آن برداشت و در مرجله تداوی مرض حسادت، پاسخ قناعت بخش به سوالات ذیل می‌تواند جریان تداوی مرض را سرعت بخشد:

- ✓ فلسفه وجودی من چیست؟
- ✓ آیا من برای رفتن در راه حق خلق شده‌ام و یا رفتن در راه شیطان؟
- ✓ آیا خلقت من برای ایجاد شر و فساد در اجتماع است و یا بخاطر ایجاد امن و آرامش؟
- ✓ آیا من بخاطر سعادت انسان آفریده شده ام و یا بخاطر شقاوت و بدختی ایشان؟
- ✓ آیا من بخاطر رسیدن به مدارج عالی انسانی خلق شده‌ام و یا سقوط به انتهای کابوس شیطانی؟
- ✓ و بالاخره آیا من خودرا دوست دارم و یا نه؟

طبعیتاً انسان خودش را دوست می‌دارد و از عالیم دوستی آنست که باید در راه رشد و کمال قدم نهاد، در مسیری باید رفت که او را نیکبخت و سعادتمد می‌سازد. کاری باید کرد که زمینه‌های رشد، نشء و نموی فضایل اخلاقی مساعد شود و به کمال بررس نه اینکه کاری کرد که بستر رشد نطفه‌های منفی اخلاقی در وجودش مساعد شده و آنقدر رشد نماید که فضایل اخلاقی را تحت تاثیر قرار بدهد. بناءً بخاطر تداوی مرض حسد بکارگیری نسخه‌های ذیل لازم و ضروری است:

نسخه بالا بودن میزان معرفت و آگاهی:

به خاطر یافتن جواب‌های صحیح و قناعت بخش سوالات که در بالا ذکر شد، یک مسلمان باید میزان معرفت و آگاهی خویش را بالا ببرد تا با شناخت صحیح از زشتی‌ها، خود را از درگیرشدن به آن حفظ و نگهداری کند و واضح است که با

وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ
فوقَ ثلَاثٍ» متفقٌ عَلَيْهِ

از انس رضی الله عنہ روایت است که پیامبر صلی الله علیہ وسلم فرمود: با هم دیگر دشمنی و حسد و قطع رابطه ننموده و پشت نکنید. و ای بندگان خدا با هم برادر باشید و برای هیچ مسلمانی روا نیست که بیش از سه روز برادرش را ترک کند.

وعن أبي هُرَيْرَةَ رضي الله عنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّكُمْ وَالظَّنِّ، إِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ،
وَلَا تَحْسِسُوا، وَلَا تَجْسِسُوا وَلَا تَنافِسُوا وَلَا تَحَاسِدُوا،
وَلَا تَبَاغِضُوا، وَلَا تَدَابِرُوا، وَكُوْنُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا كَمَا
أَمْرَكُمُ الْمُسْلِمُ أُخُو الْمُسْلِمِ، لَا يَظْلَمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ وَلَا
يَحْقِرُهُ، التَّقْوَى هُنَّا، التَّقْوَى هُنَّا» وَيُشَيرُ إِلَى صَدَرِهِ «
بِحُسْبَ امْرِيِّهِ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمُ، كُلُّ الْمُسْلِمِ
عَلَى الْمُسْلِمِ حِرَامٌ دُمُهُ، وَعَرْضُهُ، وَمَالُهُ، إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ
إِلَى أَجْسَادِكُمْ، وَلَا إِلَى صُورِكُمْ، وَأَعْمَالَكُمْ وَلَكُنْ يَنْظُرُ إِلَى
فُلُوْبِكُمْ».

از ابو هریره رضی الله عنہ روایت است که رسول الله صلی الله علیہ وسلم فرمود: از گمان بپرهیزید، زیرا گمان دروغترین گفته ها است و جاسوسی هم دیگر حسد و دشمنی نورزیده و بی کدیگر پشت مکنید.

تحت مواظبت و جدان خویش قرار بگیریم مطالعه سیرت و سنت نبی اکرم محمد مصطفی صل الله علیه وسلم که بهترین الگو و سرمشق بصورت عموم برای همه انسانها و بصورت خاص برای مسلمانان می باشد، برای هر فرد مسلمان ضروری و لازم است.
باید یک مسلمان اعتقاد کامل و ایمان راسخ داشته باشد که سرچشممه همه امور بدست خداوند است. خداوند متعال در سوره الانعام آیه 17 چنین می فرماید: (وَإِنَّ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۚ وَإِنَّ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ
فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

ترجمه: اگر خداوند زیانی به تو برساند، هیچ کس جزا نمی تواند آن را برطرف سازد! و اگر خیری به تو برساند، او بر همه چیز تواناست؛ (و از قدرت او، هرگونه نیکی ساخته است).

همچنان خداوند در سوره یونس آیه 107 چنین فرموده است:

(وَإِنَّ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۚ وَإِنْ يُرِدْكَ
بِخَيْرٍ فَلَا رَادَ لِفَضْلِهِ ۝ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۝ وَهُوَ
الْعَفُورُ الرَّحِيمُ)

ترجمه: و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه)، زیانی به تو برساند، هیچ کس جزا آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آنرا به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند؛ و او غفور و رحیم است!

در سوره آل عمران آیه 26 ذات اقدس الهی می فرماید:
(فَلِلَّهِمَ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ شَاءَ وَتَنْزَعُ
الْمُلْكُ مِنْ شَاءَ وَتَعْزُزُ مَنْ شَاءَ وَتَذَلُّلُ مَنْ شَاءَ ۝ يَبْدِكَ
الْخَيْرُ ۝ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

ترجمه: بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری

وعنْ أَنْسٍ رضي الله عنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:
« لَا تَبَاغِضُوا، وَلَا تَحَاسِدُوا، وَلَا تَدَابِرُوا، وَلَا تَقَاطِعُوا،